

## حضرت عیسی و مادرش مریم (علیهما السلام) در قرآن کریم

<?xml encoding="UTF-8">

حضرت عیسی و مادرش مریم (علیهما السلام) در قرآن کریم

- إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (35)
- فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (36)
- فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُمَ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (37)
- هَئَانِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (38)
- فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (39)
- قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَ امْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (40)
- قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا زَمْزَرًا وَ أَذْكَرَ رَبِّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْرَةِ (41)
- وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (42)
- يَمْرُؤُا اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ازْكَعِي مَعَ الرُّكْعَيْنِ (43)
- ذَلِكِ مِّنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (44)
- إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ يَبْشُرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِّنَ الْمُقَرَّبِينَ (45)
- وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِّنَ الصَّالِحِينَ (46)
- قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (47)
- وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ (48)
- وَ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرَأُ الْاَكْمَةَ وَ الْإِبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكِ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ (49)
- وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (50)
- إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (51)
- \* فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (52)
- رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ أَتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (53)

و مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ (54)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنِي مَتَوْفِّيكِ وَ زَافِعُكَ إِلَيَّ وَ مُطَهَّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (55)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذُّهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ (56)

وَ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (57)

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ (58)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (59)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ (60)

ترجمه آیات

35. به یاد آر زمانی را که همسر عمران گفت : پروردگارا، من نذر کرده ام که آنچه در رحم دارم ، محرر (یعنی خالص خدمتکار) تو باشد.

از من قبول کن که تو، آری تنها تویی که شنوای دانایی .

36. همین که وضع حمل کرد گفت : پروردگارا، من او را دختر زاییدم (و خدا از خود او بهتر می دانست که چه زاییده ) و معلوم است که برای خدمتگزاری معبد تو پسر چون دختر نیست ، و من او را مریم نام نهادم و من او و نسل او را از شیطان رجیم به تو پناه دادم .

37. پروردگارش دختر را قبول کرد، آن هم به بهترین قبول ، و او را پرورش داد، آن هم بهترین پرورش ، و زکریا را کفیل او کرد که هر وقت در محراب او بر او وارد می شد، رزقی مخصوص نزد او می دید.

می پرسید: ای مریم ، این رزق کذایی را از ناحیه چه کسی برایت آورده اند؟ می گفت : این رزق از ناحیه خداست . آری ، خدا به هر کس که بخواهد، بی حساب رزق می دهد.

38. اینجا بود که طمع زکریا وادارش کرد و دست به دعا برداشته به پروردگار خود گفت : پروردگارا، مرا از ناحیه خود فرزندی و نسلی پاک ببخش ، که تو شنوای دعایی .

39. ملائکه (که گویی از راهی دور سخن می گفتند) خطابش کردند و در حالی که او در محراب نماز می خواند، گفتند: خدای تعالی تو را به یحیی مژده می دهد؛ فرزندی که تصدیق کننده کلمه ای از خداست (یعنی عیسی ) و سیدی است که زن نمی گیرد و پیامبری است از صالحان .

40. زکریا گفت : چگونه مرا فرزندی خواهد شد با اینکه عمرم به نهایت رسیده و همچنین عمر همسرم ، علاوه بر اینکه او در جوانی هم نازا بود؟ فرمود: اینچنین خدا هر چه بخواهد، می کند.

41. عرضه داشت : پروردگارا، برایم علامتی قرار ده .

فرمود: علامت فرزنددار شدن این است که سه روز با مردم سخن نتوانی گفت مگر به اشاره .

پروردگارت را بسیار یاد آور و صبح و شام به تسبیح بپرداز.

42. و به یاد آر زماین را که ملائکه گفتند: ای مریم ، بدان که خدا تو را برای اهدافی که دارد، انتخاب (کرد) و از میان همه زنان عالم برگزید.

43. ای مریم ، برای پروردگارت عبادت و سجده کن و با سایر رکوع کنندگان رکوع کن .

44. این از خبرهای غیب است که ما آن را به تو وحی می کنیم ، و تو نزد ایشان نبودی هنگامی که قرعه های خود را می انداختند که کدام يك سرپرست مریم شوند، و تو نزد ایشان نبودی آن زمان که بگومگو می کردند.

45. زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم ، خدای تعالی بشارت می دهد به کلمه ای از خودش که نامش مسیح عیسی بن مریم ، آبرومندی در دنیا و آخرت (و) از مقربین است .
46. و با مردم در گهواره و در پیری سخن می گوید و از صالحان است .
47. مردم گفت : پروردگارا، از کجا برای من فرزندی خواهد شد با اینکه هیچ بشری با من تماس نگرفته است ؟ فرشته گفت : اینچنین خدایی هر چه بخواهد، خلق می کند.
- او وقتی قضای مرا را براند، همانا فرمان می دهد که ((باش))، و آن امر وجود می یابد.
48. ای مریم ، خدای تعالی به عیسی کتاب و حکمت و تورات و انجیل تعلیم می دهد.
49. در حالی که فرستاده ای است به سوی بنی اسرائیل و به این پیام که : من به سوی شما آمدم با معجزه ای از ناحیه پروردگارتان و آن ، این است که از گل برایتان چیزی به شکل مرغ می سازم ، سپس در آن می دمم ، بلادرنگ و به اذن خدا مرغی می شود، و نیز کور مادرزاد و برص را شفا می دهم و مرده را به اذن خدا زنده می کنم و بدانچه در خانه هایتان ذخیره کرده اید، خبر می دهم .
- و در این (معجزات ) آیت و نشانه ای است برای شما، و اگر مؤ من باشید.
50. و نیز در حالی که تورات را تصدیق دارم و آمده ام تا بعضی از چیزها را که بر شما حرام شده ، حلال کنم ، و به وسیله آیتی از پروردگارتان آمده ام .
- پس ، از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.
51. و بدانید که الله پروردگار من و شماست ، پس او را بپرستید، که این است صراط مستقیم .
52. پس همین که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت : چه کسانی یاوران من در راه خدا می شوند؟ حواریون گفتند: ماییم یاوران خدا.
- ما به خدا ایمان آورده ایم و گواه باش که ما مسلمانیم .
53. پروردگارا، ما بدانچه نازل کرده ای ، ایمان داریم و رسول را پیروی کردیم .
- ما را در زمره شاهدان بنویس .
54. و نیرنگ کردند، خدا هم نیرنگ کرد.
- و خدا بهترین نیرنگ کاران است .
55. و به یاد آر آن زمان را که خدای تعالی گفت : ای عیسی ، من تو را خواهم گرفت و به سوی خود بالا خواهم برد و از شر کسانی که کافر شدند، پاک خواهم کرد و پیروان را بر کسانی که کافر شدند، برتری تا قیامت می دهم .
- آنگاه برگشتن به سوی من است و من بین شما در آنچه اختلاف می کنید، حکم خواهم کرد.
56. اما کسانی را که کافر شدند، به عذابی شدید در دنیا و آخرت شکنجه می کنم و هیچ یآوری نخواهند داشت .
57. و اما کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح کردند، خدای تعالی پاداششان را به طور کامل می دهد و خدا ستمگران را دوست نمی دارد.
58. این مقدار را از آیات و از ذکر حکیم برایت می خوانیم .
59. به طور محقق مثل عیسی نزد خدا نظیر مثل آدم است که خدا از خاکش خلق کرد و سپس فرمان داد ((باش)) و او وجود یافت .
60. تمام حق از ناحیه پروردگار توست ، پس زنهار از مرددان مباش .

(از سوره مبارکه آل عمران )

داستان عیسی و مادرش (ع) در قرآن چگونه است

مادر مسیح نامش مریم دختران عمران بود، مادر مریم به وی حامله شد و نذر کرد فرزند در شکم خود را، بعد از زائیدن محرر کند یعنی خادم مسجد کند، و او در حالی این نذر را می کرد که می پنداشت فرزندش پسر خواهد بود ولی وقتی او را زائید و فهمید که او دختر است ، اندوهناک شد و حسرت خورد و نامش را مریم یعنی خادمه نهاد، پدر مریم قبل از ولادت او از دنیا رفته بود، بناچار خود او دخترش را در آغوش گرفته به مسجد آورد و او را به کاهنان مسجد که یکی از آنان زکریا بود تحویل داد، کاهنان درباره کفالت مریم با هم مشاجره کردند و در آخر به این معنا رضایت دادند که در این باره قرعه بیندازند و چون قرعه انداختند زکریا برنده شد و او عهده دار تکفل مریم گشت تا وقتی که مریم به حد بلوغ رسید، در آن اوان ، زکریا حجابی بین مریم و کاهنان برقرار نمود و مریم در داخل آن حجاب مشغول عبادت بود و احدی بجز زکریا بر او در نمی آمد و هر وقت زکریا بر او در می آمد و داخل محراب او می شد، رزقی نزد او می یافت ، روزی از مریم پرسید: این رزق از کجا نزد تو می آید: گفت : از نزد خدا و خدا به هرکس بخواهد بدون حساب روزی می دهد و مریم (علیهاالسلام ) صدیقه و به عصمت خدا معصوم بود، طاهره بود، اصطفاء شده بود، محدث و مرتبط با ملائکه بود.

ملکی از ملائکه به او گفت که خدا تو را اصطفاء و تطهیر کرده ، مریم از قانتین بود و یکی از آیات خدا برای همه عالمیان بود.

اینها صفاتی است برای مریم که آیات زیر بیانگر آن است .

بعد از آنکه مریم به حد بلوغ رسید و در حجاب (محراب ) قرار گرفت ، خدای تعالی روح را (که یکی از فرشتگان بزرگ خدا است ) نزد او فرستاد و روح به شکل بشری تمام عیار در برابر مریم مجسم شد و به او گفت که فرستاده ای است از نزد معبودش ، و پروردگارش وی را فرستاده تا به اذن او پسری به وی بدهد، پسری بدون پدر، و او را بشارت داد به اینکه به زودی از پسرش معجزات عجیبی ظهور می کند و نیز خبر داد که خدای تعالی به زودی او را به روح القدس تاءیید نموده ، کتاب و حکمت و تورات و انجیلش می آموزد و به عنوان رسولی به سوی بنی اسرائیل گسیلش می دارد، رسولی دارای آیات بینات ، و نیز به مریم از شائن پسرش و سرگذشت او خبر داد، آنگاه در مریم بدمید و او را حامله کرد، آنطور که يك نفر زن به فرزند خود حامله می شود، این مطالب از آیات زیر استفاده می شود: ((آل عمران ، آیه 35 - 44)).

آنگاه مریم به مکانی دور منتقل شد و در آنجا درد زائیدنش گرفت و درد زائیدن او را به طرف تنه نخله ای کشانید و با خود می گفت : ای کاش قبل از این مرده و از خاطره ها فراموش شده بودم ، من همه چیز را و همه چیز مرا از یاد می برد، در این هنگام از طرف پائین وی ندایش داد: غم مخور که پروردگارت پائین پایت نهر آبی قرار داده ، تنه درخت را تکان بده تا پی در پی خرما نورس از بالا بریزد، از آن خرما بخور و از آن آب بنوش و از فرزندى چون من خرسند باش ، اگر از آدمیان کسی را دیدی که حتما خواهی دید، بگو من برای رحمان روزه گرفته ام و به همین جهت امروز با هیچ انسان سخن نمی گویم .

مریم چون این را شنید از آنجا که فرزند خود را زائیده بود به طرف مردم آمد در حالی که فرزندش را در آغوش داشت و به طوری که از آیات کریمه قرآن بر می آید حامله شدنش و وضع حملش و سخن گفتن او و سایر شؤ ون وجودش از سنخ همین عناوین در سایر افراد انسان ها بوده .

مردم و همشهریان مریم وقتی او را به این حال دیدند، شروع کردند از هر سو به وی طعنه زدن و سرزنش نمودند

چون دیدند دختری شوهر نرفته بچه دار شده است ، گفتند: ای مریم چه عمل شگفت آوری کردی !، ای خواهر هارون نه پدرت بد مردی بود و نه مادرت زناکار، مریم اشاره کرد به کودکش که با او سخن بگوئید، مردم گفتند: ما چگونه با کسی سخن گوئیم که کودکی در گهواره است ، در اینجا عیسی به سخن درآمد و گفت : من بنده خدا هستم ، خدای تعالی به من کتاب داد و مرا پیامبری از پیامبران کرد و هر جا که باشم با برکتم کرد و مرا به نماز و زکات سفارش کرد، مادام که زنده باشم بر احسان به مادرم سفارش فرمود و مرا نه جبار کرد و نه شقی ، و سلام بر من روزی که به دنیا آمدم و روزی که می میرم و روزی که زنده بر می خیزم .

پس این کلام که عیسی در کودکی اداء کرد، به اصطلاح علمی ، نسبت به برنامه کار نبوتش براعت است هلال بوده (براعت استهلال به این معنا است که نویسندگ کتاب در حمد و ثنای اول کتابش کلماتی بگنجاند که در عین اینکه حمد و ثنای خدا است اشاره ای هم باشد به اینکه در این کتاب پیرامون چه مسائلی بحث می شود)، عیسی (علیه السلام ) هم با این کلمات خود فهماند که به زودی علیه ظلم و طغیان ، قیام نموده و شریعت موسی (علیه السلام ) را زنده و استوار می سازد و آنچه از معارف آن شریعت مندرس و کهنه گشته تجدید می کند و آنچه از آیاتش که مردم درباره اش اختلاف دارند بیان و روشن می سازد.

عیسی (علیه السلام ) نشو و نما کرد تا به سن جوانی رسید و با مادرش مانند سایر انسان ها طبق عادت جاری در زندگی بشری می خوردند و می نوشیدند و در آن دو مادام که زندگی می کردند تمامی عوارض وجود که در دیگران هست وجود داشت .

عیسی (علیه السلام ) در این اوان به رسالت به سوی بنی اسرائیل گسیل شد و مأمور شد تا ایشان را به سوی دین توحید بخواند، و ابلاغ کند که من آمده ام به سوی شما و با معجزه ای از ناحیه پروردگارتان آمده ام و آن این است که برای شما (و پیش رویتان ) از گل چیزی به شکل مرغ می سازم و سپس در آن می دمم ، به اذن خدا مرغ زنده ای می شود و من کور مادرزاد و برصی غیر قابل علاج را شفا می دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم و بدانچه می خورید و بدانچه در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم ، که در این برای شما آیتی است بر اینکه خدا رب من و رب شما است و باید او را بپرستید.

عیسی (علیه السلام ) مردم را به شریعت جدید خود که همان تصدیق شریعت موسی (علیه السلام ) است دعوت می کرد، چیزی که هست بعضی از احکام موسی را نسخ نمود و آن حرمت پاره ای از چیزها است که در تورات به منظور گوشمالی و سختگیری بر یهود حرام شده بود و بارها می فرمود: من با حکمت به سوی شما گسیل شده ام ، تا برایتان بیان کنم آنچه را که مورد اختلاف شما است و نیز می فرمود: ای بنی اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شمایم ، در حالی که تورات را که کتاب آسمانی قبل از من بوده تصدیق دارم و در حالی که بشارت می دهم به رسولی که بعد از من می آید و نامش احمد است .

عیسی (علیه السلام ) به وعده هائی که داده بود که فلان و فلان معجزه را آورده ام وفا کرد، هم مرغ خلق کرد و هم مردگان را زنده کرد و هم کور مادرزاد و برصی را شفا داد و هم به اذن خدا از غیب خبر داد.

عیسی (علیه السلام ) همچنان بنی اسرائیل را به توحید خدا و شریعت جدید دعوت کرد تا وقتی که از ایمان آوردنشان مایوس شد، و وقتی طغیان و عناد مردم را دید و استکبار کاهنان و احبار یهود از پذیرفتن دعوتش را مشاهده کرد، از میان عده کمی که به وی ایمان آورده بودند چند نفر خواری انتخاب کرد تا او را در راه خدا یاری کنند.

از سوی دیگر یهود بر آن جناب شورید و تصمیم گرفت او را به قتل برساند، ولی خدای تعالی او را از دست یهود

نجات داد و به سوی خود بالا برد و مسأله عیسی (علیه السلام) برای یهود مشتبه شد، بعضی خیال کردند که او را کشتند، بعضی دیگر پنداشتند که به دارش آویختند، خدای تعالی فرمود: نه آن بود و نه این، بلکه امر بر آنان مشتبه شد.

این بود تمامی آنچه قرآن کریم در داستان عیسی و مادرش فرموده است.